

جزوه حقوق مدنی 4 با لینک مستقیم

[برای دانلود جزوه کامل اینجا کلیک کنید](#)

نمونه متن جزوه:

علت این است که حسن جاهل است و ماشین غصبی را از شما خریده. حسن نیت دارد و اصلاً تقصیری مرتکب نشده که بخواهد خسارتی را پرداخت بکند. پس اولاً میتواند ثمن معامله را از فروشنده، یعنی شما، بگیرد. چون معامله، معامله ی باطلی بوده .

ثانیا کلیه ی خسارات را هم میتواند از شما بگیرد. مثل - هزینه هایی که برای انجام معامله پرداخت کرده مثل کمیسیون، کارشناسی و ... هزینه هایی که برای نگهداری مال مغضوب پرداخت کرده. مثلاً اسبی را خریده و ماه است که از او نگهداری و تیمارش میکند .- خسارات دادرسی؛ مثلاً من مال را با طرح دعوی از حسن میگیرم و او محکوم به خسارت دادرسی میشود که آنها را میتواند از شما بگیرد .- اگر حسن از منافع استفاده کرده باشد و مالک از او پس بگیرد، میتواند به شما رجوع بکند و از شما پس بگیرد .- اگر مال در دست مشتری حسن تلف شده باشد و من به شما رجوع کنم و آن را از شما بگیرم، شما نمیتوانید به حسن مراجعه بکنید و از او بگیرید. که قاعده غرور هم همین را توضیح میداد .

مشتری عالم به غصب :

ماده : در صورتی که مشتری عالم م به غصب باشد حکم رجوع هر یک از بایع و مشتری به یکدیگر در آن چه که مالک از آن ها گرفته است حکم غاصب از غاصب بوده، تابع مقررات فوق خواهد.

یعنی اگر من به شما مراجعه بکنم و پولم را از شما بگیرم، چون مشتری حسن با علم و اطلاع از شما آن مال را خریده، به

ضرر خودش اقدام کرده. اگر مال نزد او تلف شود، شما پولی که به من از بابت مثلی یا قیمی بودن پرداخت کرده اید را میتوانید از حسن بگیرید. علتش هم گفتیم که کف ضمان به عهده کسی است که مال نزد او تلف شده است.

ماده : اگر عوضی که مشتری عالم م بر غصب، در صورت تلف مبیع به مالک داده است زیاد بر مقدار ثمن باشد به مقدار زیاد نمی تواند رجوع به بایع کند ولی نسبت به مقدار ثمن حق رجوع دارد.

مثلاً شما ماشین من را غصب کردید و به حسن فروختید و حسن نسبت به اینکه مال غصبی بوده، عالم بوده. اگر من به شما مراجعه بکنم و جبران خسارت را بخواهم، شما میتوانید برای آنچه که به من پرداخت کردید، به حسن رجوع کنید، چون مال نزد او تلف شده و ضمان عین هم برعهده اوست. اما اگر من برای مثل یا قیمت به حسن مراجعه بکنم و خسارتم را از او بگیرم، او حق مراجعه به شما ندارد.

اما در این ماده یک استثنا وجود دارد و آن هم این است که میتواند رجوع بکند و ثمن بین معامله خودتان را از شما بگیرد .

معامله ی عالمانه ی شما با حسن باطل است و الباطل کالمعدوم یعنی معامله باطل، مثل معامله ای است که اصلاً محقق نشده و اگر محقق نشده، پس پولی که شما از حسن گرفتید، دارا شدن بلاجهت است و حسن میتواند به شما رجوع بکند و آن را پس بگیرد. اما در رابطه با منافع چنین حقی ندارد.

ماده : اگر ترتب ایادی بر مال مغضوب، به معامله ی دیگری، غیر از بیع باشد احکام راجعه به بیع مال غصب که فوق ا ذکر شده مجری خواهد بود.

در این ماده، قانونگذار میگوید که درست است که این موضوع را در قالب بیع مثال زدیم اما اگر در قالب هر عقد دیگری باشد، کمالکان احکام بیع در آن جاری است.

جلسه سوم مجازی / آفلاین :

استیفاء :

در ق.م ، ماده داریم که یکی از موارد دیگر شبه عقد و استفاده بلاجهت به معنای عام کلمه را توضیح میدهد : مواد و ماده : هر گاه کسی بر حسب امر دیگری اقدام به عملی نماید که عرفاً برای آن عمل اجرتی بوده و یا آن شخص عادتاً مهیای آن عمل باشد عامل، مستحق اجرت عمل خود خواهد بود مگر این که معلوم شود که قصد تبرع داشته است .

ماده : هر گاه کسی بر حسب اذن صریح یا ضمنی، از مال غیر استیفاي منفعت کند، صاحب مال مستحق اجرت المثل خواهد بود مگر این که معلوم شود که اذن در انتفاع، مجانی بوده است.

یک فرقی بین این ماده وجود دارد که باعث شده استیفاء، شاخه ی جدابشود.

ماده ی استیفاء از عمل غیر را بحث میکند یعنی استفاده کردن و نفع بردن از عمل غیر و ماده استیفاء از مال غیر را بحث میکند.

ما در بحث استیفا میخواهیم در مورد استفاده بلاجهت به معنای خاص هم بحث کنیم.

استفاده بلاجهت به معنای عام، شامل استیفاء از عمل غیر، استیفاء از مال غیر و استفاده بلاجهت به معنای خاص است.

استیفاء از عمل غیر : موضوع ماده ق.م

استیفاء از عمل غیر یعنی شخصی از کار دیگری بدون هیچ سبب قانونی یا قراردادی بهره مند میشود.

-شرایط تحقق :

مثال: شخصی به آرایشگاه میرود و روی صندلی آرایشگاه مینشیند و به آرایشگر اجازه میدهد که مویش را کوتاه بکند.

یا شخصی سوار تاکسی ای که در ایستگاه خودش ایستاده میشود، و از او میخواهد که تا فلان جا برود. اولاً که راننده تاکسی براساس امر دیگری، یعنی مسافر حرکت میکند، دوما اینکه عرفاً برای این کار اجرت معین شده، سوماً اینکه شخص، عادتاً مهیای آن عمل است یعنی راننده تاکسی عادتاً در ایستگاهی می ایستد و مسافرکشی میکند و کسب درآمد میکند.

آیا میشود این کار را کرد و مبلغی به شما تعلق نگیرد ؟ بله- موقعی که قصد تبرع باشد. یعنی شمای راننده تاکسی قصدتان این است که یک روز از مسافرانتان مبلغی نگیرید.

پس شرایط تحقق استیفاء از عمل غیر در ماده ، سه نکته ی مهم است : - باید عملی برحسب امر دیگری انجام شود. مثلاً به باربر امر بکنی که باری را حمل بکند، به خیاط امر کنی که لباسی را بدوزد، به نقاش امر بکنی که یک تابلوی نقاشی بکشد .

منظور از "امر"، دستور دادن به معنای واقعی کلمه و معنای لغوی آن نیست، منظور خواستن و تقاضا کردن است. حتی بعضی از فقها میگویند که حتی اگر اذن هم باشد کافیهست. یعنی همین که اجازه بدهی که شخصی کاری انجام بدهد، کافی میباشد.